

کردستان : نخستین استان آزاد شده کشور ؟

contact@korosherfani.com

کوروش عرفانی

کشتارهای اخیر جمهوری اسلامی در میادین و زندانها و خیابانها نشان دهنده این واقعیت است که رژیم در مقابله با یک جامعه شورشی شمشیر را از رو بسته است. نگاه کوچکی به بیلان اقتصادی نظام الهی-اسلامی حکایتگر آن است که وضع خیلی خراب است و فقط همت بوش و بلر و نفس گرم بانک جهانی و اتحادیه اروپاست که ممکن است باز مدتی جنایت‌سالاری جمهوری اسلامی را سرپا نگه دارد و در غیر این صورت حضرات رفتنی هستند. با جدی شدن خطر سرنگونی، آن هم نه توسط یک اپوزیسیون یکپارچه، بلکه توسط گرسنه‌ها و بیکارها در یک جنگ فرسایشی روزانه، مقامات رژیم به بساط دار و شکنجه و زندان و درفش روی آورده‌اند تا بلکه معجزه‌ای از لندن و پاریس و واشنگتن برسد.

در چنین شرایطی وظیفه ما کسانی که خواهان براندازی نظام، از سر تا به پایش، هستیم چیست ؟ چه کار می‌توانیم که مردم در داخل کشور با جسارت بیشتری پا به میدان مبارزه گذاشته و آقایان را در کمتر از ۲۴ ساعت یا راهی سودان و سوریه و ونکوور کنند و یا راهی آنجا که باید ؟ چه باید بکنیم تا چاشنی این بشکه باروت زده شود ؟

همچنان که قبلا نیز روی این موضوع تاکید کرده بودم در جامعه ایرانی و با توجه به استقرار فرهنگ مسخ و ذلت‌پذیری در میلیونها ایرانی کمابیش ستم‌دیده، لازم است تا آنها که برآستی در خط مبارزه هستند و در این راه حاضر به پذیرش خطر هستند وارد میدان اصلی مبارزه یعنی میدان نبرد قهرآمیز شوند. میدان نبرد مسلحانه با رژیم تا دندان مسلح. مبارزه مسلحانه رادیکال توأم با فداکاری یگانه طریق شکستن قفل روانی حاکم بر میلیونها ایرانی است.

امروز که اشکال مختلف مبارزه صرفا سیاسی و تبلیغاتی مشخص شده، امروز که محدودیتهای مبارزات صرفا تئوریک و گفتاری به اثبات رسیده، امروز که می‌دانیم فقط ۲ درصد از کل جامعه ایران به اینترنت دسترسی دارند، و امروز که ناکافی بودن مبارزه کردن از طریق رادیو و تلویزیون و نشریه عریان شده است چه بهتر است که باز هم یک ربع قرن در مبارزه مجازی و استعاره‌ای و نموداری و فرضی درجا نزنیم و همت کنیم و به نیروهای دشمن بطور عملی و مادی و ملموس ضربه وارد کنیم. بساطشان را به آتش بکشیم، رهبران‌شان را از میان ببریم و مزدوران‌شان را به سزای عمل‌کردشان برسانیم.

هم از این روی بنظر می‌رسد که بر اساس اخبار و گزارشهایی که از داخل کردستان می‌رسد این منطقه در حال حاضر مستعدترین مکان در ایران برای آغاز یک نبرد عملی سراسری باشد : توره‌های امنیتی رژیم در آنجا شکاف برداشته، تامین و نگهداری نیروهای نظامی نظام با کمبودها و مشکلات جدی روبروست، مرزها قابل عبور و مرور شده، مردم استان جان‌شان به لب آمده و آماده حرکتند، پتانسیل نیروهای حاضر به عمل در آنجا بالاست و سازمانهای مبارز سیاسی به نسبت استانهای دیگر در آنجا شناخته‌شده و خوب مستقر هستند.

مجموعه شرایط مساعد فوق این تئوری را مطرح می‌سازد که می‌توانیم از این استان بعنوان تخته

پرش برای یک هجوم قاطعانه استفاده کنیم. اگر سازمانها و تشکلهای کوچک و بزرگ سیاسی که در پی عملی ساختن براندازی نظام هستند برخی از اصول اولیه را بطور حدی مورد نظر قرار دهند می‌توانیم امیدوار باشیم که کردستان محل آغاز حرکت موج مردمی آزادیبخش برای فتح تهران شود. این مبارزه کمک خواهد کرد تا پتانسیل مبارزه مسلحانه که در بسیاری از استانهای کشور خود را نشان داده است به صورت بالفعل درآید و کار محاصره رژیم در کل کشور آغاز شود. برخی از این اصول که رعایتشان در کردستان از طرف فعالان و تشکلهای سیاسی ضروریست چنین می‌باشد:

(۱) رقابتهای سازمانی و نزاعهای قدیمی کنار گذاشته شود.

(۲) همکاری و همکاری حرف اول را بزند.

(۳) هماهنگی میان نیروهای حاضر در منطقه با صمیمیت و شفافیت انجام پذیرد.

(۴) خواستههای ملی و میهنی مطرح شود و نه استانی و قومی.

(۵) هدف نهایی مشترک باشد: وارد ساختن ضربه به نیروهای دشمن در جهت سرنگون ساختن جمهوری اسلامی.

بنظر من نیازی نیست که از همین ابتدا همه سازمانها پای میز مذاکره و توافق و این حرفها بنشینند، چون اینها رویایی بیش نیست. اما در عوض هر سازمان و گروه در حال مبارزه‌ای می‌تواند تاکتیک مبارزاتی خود را روی این ایده بگذارد که نیروها و نفراش را در خارج از کشور با برنامه ریزی و شناخت کامل از محیط و ویژگیهای آن بتدریج به منطقه منتقل کرده و فعالیتهایش را در کردستان آغاز کند. عملکرد هر سازمانی در محل باید در جهت تضعیف موقعیت دشمن و تقویت نیروهای مبارز دیگر در جهت به دفاع و حمایت از مبارزات مردمی باشد.

کردستان امروز می‌تواند به نخستین استان آزاد شده کشور تبدیل شود، باید این بار با آموختن از تجارب تلخ سالهای ۵۷ تا ۶۰ با یکدیگر در این منطقه با حفظ هویت تشکیلاتی و عقیدتی خود در جستجوی پیش‌بردن مبارزه همسو و هم‌جهت در جهت آزادی کل کشور باشیم. ابتکار جالب حضور عبدالله دارابی در مهاباد و انتقام‌گیری از مزدوران رژیم در سردشت دو نمونه عینی از امکانهای موجود در این استان است که باید با درایت و هشیاری مورد استفاده قرار دهیم بدون آنکه مردم کردستان را باردیگر قربانی اشتباهات خود کرده و این منطقه را تبدیل به جایگاه قتل عام ساکنان ستمدیده این استان نماییم.

شرایط حساس منطقه نشان می‌دهد که آمریکا و متحدانش در جستجوی بهره‌گیری از موقعیتهای برای منافع خود هستند، برماست که بدون فوت وقت از این شرایط به نفع مبارزه آزادیبخش خود در ایران استفاده کنیم. قبل از آنکه خیلی دیر باشد.

* *